



شرط امام رضا(ع) برای اقامه نماز عید فطر/ چگونه خروج پیامبر(ص) برای نماز

یکی از رویدادهای مهم زندگی سیاسی امام رضا (ع) پس از پذیرش ولایتعهدی، حرکت امام به سوی مصلی برای برگزاری نماز عید فطر به اصرار مأمون بود، اما نوع رفتار امام که به تبعیت از سنت جدش رسول گرامی اسلام(ص) و نیز امیرالمؤمنین علی (ع) بود؛ موجب شد که مأمون در حین حرکت به سوی مصلی، امام رضا(ع) را از اقامه نماز عید باز دارد.

یکی از رویدادهای مهم زندگی سیاسی امام رضا (ع) پس از پذیرش ولایتعهدی، حرکت امام به سوی مصلی برای برگزاری نماز عید فطر به اصرار مأمون بود، اما نوع رفتار امام که به تبعیت از سنت جدش رسول گرامی اسلام(ص) و نیز امیرالمؤمنین علی (ع) بود؛ موجب شد که مأمون در حین حرکت به سوی مصلی، امام رضا(ع) را از اقامه نماز عید باز دارد.

به گزارش خبرگزاری مهر، پس از پذیرش ولایتعهدی از سوی امام رضا (ع) و فرا رسیدن عید فطر، مأمون به حضرت پیام فرستاد و از وی خواست که نماز عید را اقامه فرماید. امام بر اساس شرط shy&های تعیین شده در پذیرش ولایتعهدی (مانند عدم دخالت در امور حکومتی که اقامه نماز عید، از مظاهر و مصادیق آن به شمار میرفت)، به مأمون پیام داد مرا از این امر معاف کن. مأمون پیام داد که می خواهم ولایتعهدی شما تثبیت شود و از سوی دیگر، مردم به فضل و برتری شما آگاه شوند. اصرار مأمون از یک سو و امتناع امام از سوی دیگر، سبب شد که حضرت به مأمون پیام داد: اگر مرا از این کار معاف بداری، بیشتر دوست دارم، اما اگر معاف نباشم، شرط من برای اقامه نماز عید این است که: آن گونه که پیامبر (ص) و امیرالمؤمنین علی بن ابی طالب (ع) برای نماز عید بیرون می رفتند، بیرون بروم. مأمون شرط امام را پذیرفت و دستور داد نظامیان و درباریان و عموم مردم، صبحگاهان جلوی خانه امام اجتماع کنند. مردم در اطراف خانه حضرت و در مسیر اجتماع کرده و عده ای در پشت بام منازل خود به انتظار نشستند تا با دیدن امام، سیره نبوی و هیبت علوی را به تماشا بنشینند. فرماندهان و سپاهیان سواره نیز، رو به خانه امام آوردند و تا طلوع خورشید همه به انتظار ایستاده بودند.

امام پس از به جای آوردن غسل و پوشیدن لباس و بر سر گذاشتن عمامه ای سفید از پنبه که یک طرف آن بر روی سینه مبارکش افتاده و طرف دیگرش بر شانه اش قرار گرفته بود، در حالی که خود را خوشبو کرده و عصایی در دست داشت، به غلامان خود فرمود: به همین هیئت خود را درآورید و به آنها دستور داد پیشاپیش حضرتش حرکت نمایند. سپس با پای برهنه از خانه بیرون آمده و راه مصلی را در پیش گرفت و چون اندکی راه رفت سر به طرف آسمان بالا کرد و تکبیر گفت، با تکبیر گفتن امام، غلامان حضرت نیز تکبیر گفتند. لشکریان با مشاهده حالت حضرت، همگی از مرکب shy&ها پیاده شده و هر کس کاردی به همراه داشت، زودتر توانست بندهای چکمه خود را باز کند و پابرهنه شود. امام تکبیر دیگری گفت، همه با او یک صدا شدند. طنین تکبیر چنان بود که گویی آسمان و در و دیوار با امام هم shy&صدا شده اند. شهر مرو با دیدن امام و شنیدن تکبیر او، از کثرت گریه و فریاد مردم به لرزه در آمد.

مأمون دگرگونی اوضاع را دریافت. فضل بن سهل به او گفت: اگر حضرت رضا به همین نحو به مصلی برود، مردم شیفته او شده و فتنه ای برپا خواهد شد؛ از این رو افرادی را به سوی ایشان فرستاد تا امام را برگردانند. مأمون به امام (ع) پیغام داد که شما را زحمت داده و در رنج انداختیم و دوست نداریم از این پس، بیشتر به مشقت بیفتید، از همین جا برگردید، کسی که مطابق مرسوم با مردم نماز می خوانده، این نماز را نیز اقامه می کند. امام کفش های خود را خواست و پوشید و به منزل بازگشت. مردم در آن روز دچار پراکندگی شدند و نماز در آن روز به خود نظم نگرفت.

عمده دلیل مأمون از جلوگیری اقامه نماز عید به وسیله امام رضا (ع)، احساس خطری بود که از ناحیه محبوبیت و اظهار علاقه و استقبال مردم از امام شده بود؛ چراکه به گمان مأمون و مشاورش اقامه این نماز و ایراد خطبه به وسیله امام علی بن موسی الرضا(ع) ممکن بود حکومت وی را به خطر اندازد؛ زیرا آنان قصد استفاده تبلیغاتی از این نماز را داشته و هرگز فکر نمی کردند، امام این گونه در میان مردم حتی رجال کشور و فرماندهان لشکر دارای محبوبیت باشد. لذا دستور داد تا امام از اقامه نماز منصرف شود، تا بدین وسیله خود و حکومتش از خطرات احتمالی از ناحیه امام (ع) حفظ نماید.